

## رابطه بین الگوهای ارتباطی با اعتماد زناشویی:

### کاربران فضای مجازی شهر لنگرود<sup>۱</sup>

فائزه پیازچیان لنگرودی\* ، حمیده عادلیان راسی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۸

#### چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی با میزان اعتماد زناشویی در بین کاربران متأهل فضای مجازی در شهر لنگرود است. تا در ایجاد سیاست‌های اجتماعی و رفاهی حوزه خانواده و گسترش برنامه‌هایی با محوریت نقش مددکاران اجتماعی در آموزش خانواده‌ها در قبل و بعد از ازدواج، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. چارچوب نظری این پژوهش را نظریات سیستمی، ارتباطی، اعتماد بالبی و اعتماد‌گیدنز تشکیل داده‌اند. روش پژوهش پیمایشی بوده و داده‌ها از طریق شیوه نمونه‌گیری احتمالی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای و با استفاده از پرسشنامه‌های اعتماد رمپل و هولمز (IS)، الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالاولی (CPQ) و پرسشنامه

۱- این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد است.

\* کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

\*\* استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول).

دموگرافیک جمع‌آوری شدند. حجم نمونه شامل ۳۸۲ نفر از کاربران متأهل تلفن همراه و فضای مجازی شهر لنگرود است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های استنباطی از آزمون‌های همبستگی خی دو، ۷ کرامرز و گاما در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ بهره گرفته شد. یافته‌ها نشان داد رابطه معناداری بین زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی و زیرمقیاس‌های اعتماد زناشویی و همچنین کل میزان اعتماد زناشویی وجود دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد استفاده از فضای مجازی به صورت غیرمستقیم و از طریق الگوهای ارتباطی که زوجین در زندگی مشترک خود انتخاب می‌کنند با اعتماد زناشویی در ارتباط است و در واقع کاهش یا افزایش اعتماد در بین کاربران متأهل فضای مجازی، از تبعات نوع الگوهای ارتباطی انتخابی زن و شوهر است. نتایج این مطالعه در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی، بر سیاست‌های پیشگیرانه مبتنی بر ارتقاء الگوهای مثبت ارتباطی زن و شوهری از طریق آموزش تأکید دارد.

**واژه‌های کلیدی:** اعتماد زناشویی، فضای مجازی، الگوهای ارتباطی

## مقدمه

بی‌شک، یکی از نیازهای ضروری انسان در زندگی برقراری رابطه‌ای رضایت‌بخش با افراد قابل اعتماد بوده و این امر در برقراری رابطه با دیگران مهم زندگی مانند همسر، از اهمیت بیشتری برخوردار است. ایجاد حس اعتماد در افراد مستلزم در پیش گرفتن رفتاری صادقانه و قابل پیش‌بینی است. جلوگیری از سلب اعتماد بین طرفین افراد را ملزم می‌کند تا به شریک زندگی خود متعهد باشند. اما عواملی مانند وجود و گسترش دسترسی به فضاهای مجازی از قبیل تلفن همراه، اینترنت و کاربرد تمام ابزارها و امکانات موجود در این فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی از قبیل تلگرام، اینستاگرام، تانگو، یوتیوب، لاین، فیس‌بوک، ایمو، واتس‌آپ، و.. گاهی به‌عنوان تهدیدی در روابط

زناشویی به حساب می‌آید به طوری که می‌توان کاهش اعتماد زناشویی را در برخی روابط، در بستر فضای مجازی شاهد بود.

فضای مجازی در واقع نامی است که تعداد زیادی از کاربردهای امروز فناوری‌های جدید ارتباطی را در برمی‌گیرد. این نام نخستین بار به وسیله ویلیام گیسون در رمان نورومانسر (۱۹۸۴) ابداع شد. نمی‌توان فضای مجازی را مترادف با اینترنت دانست اما اینترنت ابزار ورود به فضای مجازی است. فضای مجازی را می‌توان فضایی تلقی کرد که واقعیت دارد زیرا عملکرد و اثری واقعی دارد (سیاح طاهری و دیگران، ۱۳۹۵). برخی کاربران علاوه بر ایجاد ارتباط عاطفی با ارسال پیام‌های جنسی، به فرد یا افراد سوم، وابستگی پیدا می‌کنند. در واقع تلفن‌های همراه و امکانات آن امکان کاهش ارتباطات و اعتماد زناشویی را به وجود می‌آورد (قلی پور، ۱۳۹۵: ۱۳۷). البته احتمالاً امکان وجود راه‌های خیانت منجر به بی‌اعتمادی تمام زوجین به یکدیگر نشده و عواملی در میزان اعتماد زوجین به یکدیگر مؤثر خواهد بود. راتر (۱۹۸۰) اعتماد را به‌عنوان انتظار کلی فردی که می‌تواند به کلمه، وعده، یا بیانیه فرد دیگری اعتماد نماید تعریف می‌کند (Roter, 1980: 17-3). اعتماد در روابط زناشویی شامل سه بعد (وفاداری، پیش‌بینی پذیری و قابلیت اتکا) است (Rampel, Holms & zanna, 1996: 95-112). بر اساس تحقیقات در بیشتر مواقع علت نارضایتی زناشویی کمبود مهارت‌های ارتباطی سالم در بین زوجین است (فاتحی زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۷). شاید در این میان یکی از اعمال ایجادکننده بی‌اعتمادی یا کاهش اعتماد، الگوهای ارتباطی‌ای باشد که طرفین نسبت به هم اتخاذ می‌کنند.

گاتمن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۳) الگوی طلبکار- بدهکار را به‌عنوان پدیده‌ای که با ملاک‌های ازدواج نامناسب در ارتباط است مورد اشاره قرار دادند. نارضایتی زناشویی با الگوی ارتباطی متقابل سازنده رابطه منفی و با الگوی ارتباطی طلبکار- بدهکار به‌ویژه

سبک ارتباطی مرد طلبکار/ زن بدهکار و اجتناب متقابل رابطه مثبت دارد (مداحی و صمد زاده، ۱۳۹۱). تحقیقات نشان می‌دهد از عواملی که منجر به انحراف زوجین می‌شود اشکال در نحوه برخورد آنها با یکدیگر و بی‌اعتمادی در بین آنها است (نیومن، ۲۰۰۸). به نظر می‌رسد که الگوهای ارتباطی در بین سایر عوامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. نحوه ارتباط زوجین همواره بر مبنای الگویی خاص شکل می‌گیرد، الگوهای مقابله با مشکلات که زوجین در موقعیت‌های تعارض‌آمیز به کار می‌برند، الگوهای ارتباطی زناشویی نام دارد (Christensen&Shenk, 1991: 458-463). بنابراین این پرسش در ذهن ایجاد می‌شود، که آیا میزان اعتماد زناشویی در بین زوجینی که دارای روابط سازنده متقابل (یکی از زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی) هستند و از مهارت‌های ارتباطی بالاتری برخوردارند (عشق و محبت به یکدیگر را از طرق قلبی، کلامی، عملی ابراز می‌دارند) به همان میزان زوجین کناره‌گیر و یا متوقع، تحت تأثیر پیامدهای مثبت و منفی فضای مجازی قرار می‌گیرد؟

همچنین با توجه به آنکه تنها یک دهه و یا اندکی بیشتر از ورود فضای مجازی در چنین سطح و گستردگی به زندگی و روابط افراد و زوجین می‌گذرد، لزوم شناخت این فضا و متغیرهای اثرگذار برافزایش ابعاد مثبت و منفی آن، توسط کارشناسان آسیب‌های اجتماعی غیرقابل‌انکار است. شناخت میزان اثرگذاری انواع متغیرهای دموگرافیک مانند جنس، ساعات استفاده از فضای مجازی، تحصیلات و... بر میزان اعتماد زناشویی و یا انتخاب الگوهای ارتباطی در بین کاربران فضای مجازی، مددکاران اجتماعی و سایر متخصصین را در حرفه‌های یاری‌رسان قادر خواهد ساخت تا با آگاهی به این عرصه ورود کنند و با انجام فرآیندهای مداخله‌ای و پیشگیری به وظیفه توانمندسازی جامعه هدف بپردازند. بدین ترتیب این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش برآمده است که بین الگوهای ارتباطی با میزان اعتماد زناشویی در بین کاربران متأهل فضای مجازی چه ارتباطی وجود دارد؟

### پیشینه تحقیق

جستجوی اطلاعات در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، مطالعاتی را که مستقیماً به رابطه الگوهای ارتباطی و اعتماد زناشویی بپردازند، نشان نداد. اما مطالعاتی پیدا شد که به رابطه برخی از جنبه‌های این دو مؤلفه پرداخته بود. در اینجا سعی می‌شود به تعدادی از آن‌ها اشاره گردد.

Longua Peterso&Dehart (2013) در تنظیم ارتباط، بیان کردند که عزت‌نفس مطلق، رفتار مثبت غیرکلامی را پیش‌بینی می‌کند، درحالی‌که در روابط عاشقانه مورد تهدید قرار می‌گیرد. مطالعه نشان داد که در شرایط تهدید روابط، شرکت‌کنندگان با عزت‌نفس ضمنی بالا (در مقابل کم) زمانی که شریک زندگی خود را بیشتر متعهد می‌دانستند درگیر رفتارهای غیرکلامی مثبت بیشتری می‌شدند. در رفتار شرکت‌کنندگان دارای عزت‌نفس ضمنی بالا و پایین وقتی که تعهد شریکشان کم بود تفاوتی وجود نداشت.

Holmes&Murry&Rose (2005) در پژوهشی نشان دادند که افراد با اعتماد به نفس پایین، احساس می‌کنند از همسرشان پایین‌ترند و این احساسات ضعف نسبی، احساس امنیت در رابطه با شریک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعه همچنین نشان داد که شرکت‌کنندگانی که اعتماد به نفس پایینی دارند، زمانی که نقاط قوتی دارند یا در همسرشان نقصی وجود دارد، توجه شریکشان و تعهد او در رابطه را گزارش داده و احساس امنیت بالایی نشان داده‌اند. بنابراین ترغیب همسر به درک روان‌شناختی افراد با اعتماد به نفس پایین، ممکن است به‌طور مؤثر احساس امنیت را در نظر همسر افزایش دهد.

Holmes&Rempel (1986) در تحقیقی با عنوان اعتماد در ارتباطات نزدیک<sup>۱</sup> یک مدل اعتماد بین فردی با سه بعد را شناسایی نمودند، که این ابعاد به‌وسیله رشد در

---

1. Trust in close relationship

روابط مشخص می‌شوند. این مطالعه به منظور ارائه اطلاعات مربوط به دیدگاه‌های نظری طراحی و ارائه شد. مقیاس اندازه‌گیری این متغیرها توزیع ناهمگون ۴۷ زوج متأهل بودند. نتایج نشان داد وقتی که روابط آسیب‌پذیر است، احتمال دارد که اعتماد در فرآیند دگرگونی قرار گیرد. بنابراین مناسب‌ترین زمان برای بررسی اعتماد ممکن است زمانی باشد که مناقشه و کشمکش وضعیتی را به وجود آورده است که اعتماد به دیگری به‌عنوان یک موضوع مطرح شود.

خندان‌دل و کاویان فر، (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان نقش اعتماد در روابط بین فردی و تاب‌آوری خانواده در رضایت زناشویی زوج‌های شاغل شهر تهران، جامعه نمونه ۳۸۱ نفری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که بین اعتماد و تاب‌آوری با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتیجه آزمون فرضیه اول تاییدی بر نظر کاکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) است، مبنی بر این که عامل اعتماد یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی است و اگر وجود داشته باشد بر روابط اعضای خانواده مؤثرتر خواهد بود و اگر هم وجود نداشته باشد مسائل اجتماعی افزایش خواهد یافت.

کلیوندعباسی و بختیار پور، (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه اعتماد زناشویی، سلامت روان، مهارت‌های ارتباطی با دل‌زدگی زناشویی در میان کارمندان متأهل آموزش‌وپرورش اهواز پرداختند. طرح پژوهش توصیفی و تحلیلی از نوع همبستگی بود. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن بود که بین اعتماد زناشویی، سلامت روان و دل‌زدگی زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد و بین مهارت‌های ارتباطی و دل‌زدگی رابطه منفی معنی‌داری وجود ندارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به متغیرهای سلامت روان و اعتماد با دل‌زدگی زناشویی به روش ورود مکرر نشان داد که رابطه ساده معنی‌داری بین مهارت‌های ارتباطی و دل‌زدگی زناشویی وجود ندارد و ضریب همبستگی چندگانه نشان داد که بین اعتماد زناشویی، مهارت‌های ارتباطی و سلامت روان با دل‌زدگی زناشویی رابطه چندگانه وجود ندارد.

فاتحی زاده و احمدی، (۱۳۸۴) پژوهشی را با عنوان بررسی رابطه الگوهای ارتباطی و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان انجام دادند. نتایج حاصل از این بررسی‌ها نشان می‌دهد بین الگوهای ارتباطی زوجین و رضایتمندی زناشویی رابطه وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر بیان نمود متغیر الگوهای ارتباطی و رضایتمندی زناشویی با یکدیگر همبستگی دارند و بیشترین میزان همبستگی بین رابطه سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی در گروه زنان است. در همین گروه الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری تقریباً رابطه‌ای با رضایتمندی زناشویی نشان نداد و بالاخره همبستگی بین رضایتمندی زناشویی و ارتباط اجتنابی متقابل منفی به دست آمد. نتایج حاصل شده در گروه مردان نیز کاملاً شبیه گروه زنان بود. در این گروه نیز بیشترین همبستگی بین ارتباط سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی بوده و نشان داد در بین الگوی توقع / کناره‌گیری و رضایتمندی زناشویی رابطه منفی وجود دارد.

شعاع کاظمی، (۱۳۸۹) به بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خشنودی زناشویی به منظور سلامت خانواده پرداخت. نمونه پژوهش ۲۰۰ نفر (۱۵۰ زن و ۵۰ مرد) و روش پژوهش نیز از نوع توصیفی-تحلیلی بود. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنادار میان الگوهای ارتباطی سازنده و خشنودی از پیوند زناشویی در زنان بوده است؛ یعنی هرچه پیوند سازنده بدون سرزنش و اجتناب باشد، همسران، به‌ویژه زنان از خشنودی بالاتری برخوردار خواهند بود.

سفیری و ذاکری، (۱۳۹۳) تحقیقی را با عنوان برساخت مفهوم اعتماد به همسر در فضای مجازی (مورد مطالعه زنان ساکن شهر یزد) انجام دادند. در این پژوهش با اتخاذ رویکرد استقرائی و اکتشافی، ادراکات و معانی اعتماد به همسر در بین زنان شهر یزد مطالعه شده است. روش این پژوهش کیفی و از نوع نظریه‌پردازی مبنایی بوده است. فن گردآوری داده‌ها، روش گروه متمرکز و مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته با ۲۲ نفر از زنان شهر یزد بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مفهوم اعتماد به‌طور عام و پدیده اعتماد به همسر به‌طور خاص می‌تواند تحت تأثیر فضاهای متفاوت اجتماعی

اعم از واقعی و مجازی تغییر کند، اما آنچه مهم‌تر است شکل‌گیری مبنای این اعتماد است.

مطالعه پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی در رابطه با موضوع تحقیق حاضر از آن رو حائز اهمیت است که هریک به نحوی متغیرهای موردنظر در تحقیق حاضر (الگوهای ارتباطی زناشویی، اعتماد زناشویی، فضای مجازی) را موردبررسی قرار داده‌اند و اهمیت الگوهای ارتباطی و اعتماد زناشویی و تأثیر آن در تداوم یک زندگی مطلوب را به تصویر می‌کشند؛ اما آنچه باعث می‌گردد نیاز به پژوهش کنونی به قوت خود باقی‌مانده و نیاز به بررسی حاضر احساس شود، این است که بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی با اعتماد زناشویی در بستر فضای مجازی صورت نگرفته است و این پرسش که آیا این روابط تحت تأثیر فضای مجازی و امکانات آن اساساً قادر خواهند بود همچنان اثرگذاری خود را حفظ نمایند یا خیر، مطرح است.

### نظریات مرتبط در پژوهش

نظریه دلبستگی و اعتماد بالبی<sup>۱</sup>: این نظریه مطرح می‌کند که نیازهای بنیادی خاص که در بین آنها نیاز به امنیت و یا اعتماد، اساسی‌ترین نیازها هستند، در بافت روابط به بهترین وجه ارضاء و تأمین می‌شوند. فرآیند دلبستگی بیان می‌کند، ویژگی‌های زیستی و اجتماعی که به‌وسیله آنها پیوندهای عاطفی بین بزرگسالان شکل می‌گیرد به همان اندازه که در کودکان مهم‌اند در بزرگسالان نیز مهم‌اند (کلکسمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). نقل از زارعی، ۱۳۹۰: ۵۳). بالبی معتقد است دلبستگی در رابطه والد و کودک به رابطه عاشقانه بزرگسالی انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات، در هرزمانی از زندگی، نوزادی تا بزرگسالی تأثیر بگذارد (بالبی، ۱۳۶۷). نظریات دلبستگی به انواع سبک‌های دلبستگی مانند ایمن، نایمن (اجتنابی، دوسوگرا) اشاره می‌کند و معتقد است

---

1. Bowlby  
2. klacsmann



سبک‌های دلبستگی که افراد در زمان کودکی در طی ارتباط با والد مراقبت‌کننده برمی‌گزینند، در نحوه تعاملات آینده (در روابط بین فردی و اجتماعی) ایشان تأثیرگذار خواهد بود و می‌توان انواع نشانه‌های دلبستگی ایمن در بزرگسالی را پایدار بودن روابط پایدار و قابل اعتماد، خودباوری، سهولت در به اشتراک گذاشتن احساسات با دوستان و جستجوی حمایت اجتماعی برشمرد؛ بنابراین اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو ویژگی اصلی افراد ایمن محسوب می‌شود (Cassidy, 2008). دلبستگی ایمن، کنش‌وری و کارآمدی فردی را در چارچوب رابطه با همسر تسهیل می‌کند و امنیت و آرامش حاصل از پایگاه امن همسر، به فرد اجازه می‌دهد تا با اطمینان روابط را گسترش دهد و به فعالیت‌های مختلف بپردازد (بشارت، ۱۳۸۰: ۵۶). به نظر بالبی رابطه نایمن موجب بی‌اعتمادی، مشکل در هماهنگی و حساس بودن و نارضایتی هیجانی در روابط عاشقانه بزرگسالی می‌شود.

**رویکرد جهت‌گیری ارتباطی<sup>۱</sup> ستیر<sup>۲</sup>** (۱۹۶۷): این رویکرد از عقیده‌ای ریشه می‌گیرد که می‌گوید: افراد به‌طور اجتناب‌ناپذیر ارتباط برقرار می‌کنند و آن‌ها زمانی می‌توانند به‌طور اثربخش‌تر ارتباط برقرار کنند که ارتباط آن‌ها باز و روشن باشد. اگرچه ستیر همه‌چیز را در روابط بین فردی به ارتباط ربط نمی‌دهد اما ارتباط باز و روشن را دارای اهمیت اصلی می‌داند. از پیش‌فرض‌های این رویکرد می‌توان به این موارد اشاره کرد که رابطه‌ها نیازمند گفتگو هستند و گفتگو نیازمند ارتباط خوب است. زوج‌ها برای برقراری ارتباط مؤثر باید پیام‌های کامل و روشن ارسال کنند و بیش‌ازاندازه تعمیم ندهند (فقیرپور، ۱۳۸۳: ۶۹). ستیر ۵ الگوی ارتباطی را معرفی کرده است که افراد از آن‌ها به‌صورت کلامی یا غیرکلامی در ارتباطاتشان استفاده می‌کنند. این الگوها عبارت‌اند از: سرزنشگر، سازشگر، بی‌ربط‌گو، حسابگر، در این چهار الگو رابطه یک بخش از پیام با بخش‌های دیگر آن متناقض است و این امر موجب می‌شود

---

1. the communication approach  
2. satyr

دریافت‌کننده پیام نتواند ارتباط شفافی برقرار سازد و احساس واقعی خود را به طرف مقابل بیان کند و برای پنهان کردن ضعف خود به کار می‌رود؛ اما در الگوی پنجم که همتراز خوانده می‌شود، افراد بدون آنکه چیزی را از هم پنهان کنند، احساسات و تفکرات خود را ابراز می‌نمایند و از فریبکاری اجتناب می‌کنند (Moore & Kramer, 2000: 23-249).

**رویکرد سیستمی** (ون برتالانفی<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱): این نظریه درباره سیستم‌های اجتماعی همچون افراد، گروه‌ها، خانواده‌ها، جوامع و همچنین سیستم‌های زیستی به‌کار برده می‌شود. در این دیدگاه، سیستمی که بیش از همه فرد را در برمی‌گیرد و رفتارهای او را شکل می‌دهد خانواده است؛ یعنی موجودی که اجزاء آن باهم تغییر می‌کنند و با انحراف برای حفظ تعادل خود فعال می‌شوند (مینوچین، ۱۳۸۳: ۱۲). در واقع زیرمنظومه زن و شوهری دارای تکالیف یا نقش‌هایی است که برای عملکرد خانواده حیاتی است. مهارت‌های اصلی لازم برای به ثمر رسیدن تکالیف این زیرمنظومه عبارت از مکمل بودن و برون‌سازی متقابل است؛ یعنی زن و شوهر باید الگوهایی به وجود آورند که در آن هرکدام عملکرد دیگری را در بسیاری از زمینه‌ها حمایت کنند. باید الگوهای مکملی به وجود آورند که به هرکدام از آن‌ها این امکان را بدهد که تسلیم شوند بی‌آنکه احساس کنند تسلیم شده‌اند (مینوچین، ۱۳۸۳: ۸۲). زن و شوهر در روند برون‌سازی متقابل خود می‌توانند وجوه مثبت یا منفی یکدیگر را فعال کنند و یا حتی الگوهای مراوده‌ای متکی - حامی ایجاد کنند (همان، ۱۳۸۳: ۸۷). این زیرمنظومه باید به یک الگوی مراوده‌ای مناسب دست یابد. اگر زن و شوهر در دستیابی به یک الگوی مراوده‌ای سالم، شکست بخورند وارد انواع و اقسام روابط ناسالم می‌شوند. در چنین مواقعی مرزهای زن و شوهر از سایر زیرمنظومه‌ها، سست می‌شود و روابط مختلف دیگری شکل می‌گیرد، این امر می‌تواند بر رابطه آن‌ها با زیرمنظومه فرزندان، خانواده اصلی طرفین و شبکه روابط دوستانه اثر بگذارد؛ و رابطه دوتایی زن و شوهر تبدیل به

---

1. von Bertalanffy

رابطه مثلث سازی شده با هریک از زیر منظومه‌های فوق شود (رایت، ۱۹۹۷، به نقل از بهرامی، ۱۳۹۳: ۵۴).

**اعتماد گیدنز<sup>۱</sup>:** گیدنز در توجه به پیامدهای مدرنیته معتقد است، مدرنیته به فرایندی به نام دوری‌گزینی منجر می‌شود، یعنی انجام ارتباطات اجتماعی به‌قرار داشتن در زمان و مکان و محلی خاص وابسته نیست و از ویژگی‌های جهان مدرن روابط با کسانی است که حضوری فیزیکی ندارند (Kiwisto, 1984: 204). در دوران پیشامدرن، از نظر گیدنز روابط شخصی تابع ضوابط بیرونی همچون تعهدات خویشاوندی بود، در حالی‌که در دوران مدرن روابط شخصی که بیشتر به‌صورت رابطه ناب درمی‌آید، وابسته به اعتماد متقابل است که آن را باید به وجود آورد و اعتماد طرف مقابل را جلب کرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۴-۱۴۳).

**انتخاب گلاسر:** با توجه به رویکرد گلاسر، انسان موجودی دارای قدرت انتخاب است و می‌تواند با اتخاذ الگوهای ارتباطی مناسب روابط گرم و صمیمانه‌ای را بین خود و همسر ایجاد نموده و بدین ترتیب با ارتقاء کیفیت ارتباط، میزان تعهد متقابل را افزایش داده و اعتماد پایدار را ایجاد کند؛ بنابراین زمانی که انسان با ملزم ساختن خود به پذیرش مسئولیت در ارتباطات بین فردی و آگاهی از وجود راه‌حل‌های گوناگون و حق انتخاب، بر خود کنترل یابد می‌تواند نسبت به تلاش‌های محیط و ابزارهای آن (فضای مجازی و...) جهت نفوذ بر آدمی مقاومت کرده و حتی بر محیط خود احاطه یابد. زیرا به آدمیان نوید می‌دهد، تنها کسی که می‌تواند بر ما کنترل داشته باشد خودمان هستیم. این خود زوجین هستند که مسئول‌اند و می‌توانند تصمیم بگیرند که آیا در جهت بهبود ارتباطات با شریک واقعی خود و ساختن زندگی‌شان بر پایه‌های اعتماد گام بر خواهند داشت و یا این‌که فروپاشیدن زندگی واقعی قابل‌تغییر خود را به ساختن زندگی بر سراب مجاز ترجیح می‌دهند (گلاسر، ۱۳۷۸).

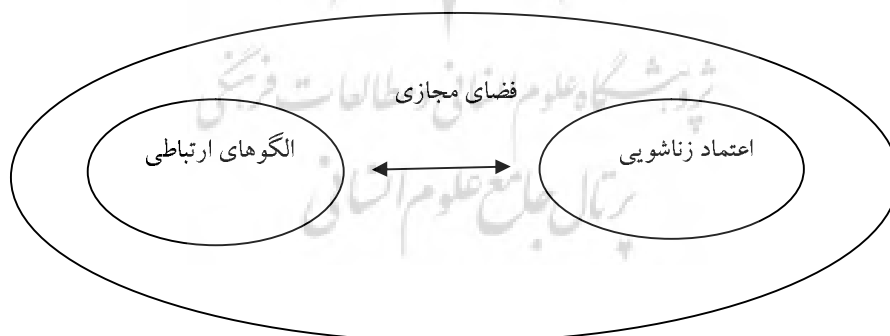
## چارچوب نظری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته نظریاتی که مستقیماً به بررسی رابطه الگوهای ارتباطی و اعتماد پرداخته باشند یافت نشده است، اما نظریاتی وجود دارند که در تبیین ارتباط این دو متغیر مؤثر خواهند بود. در این پژوهش از تئوری سیستمی برتالانی، نظریه جهت‌گیری ارتباطی ستیر، دلبستگی و اعتماد باولبی و نظریه اعتماد گیدنز به‌عنوان چارچوب نظری موضوع پژوهش استفاده شده است. زمانی که رابطه الگوهای ارتباطی با اعتماد زناشویی در بین کاربران فضای مجازی مورد سؤال قرار می‌گیرد، یکی از دیدگاه‌های تبیین‌کننده این رابطه در حوزه مددکاری اجتماعی دیدگاه سیستمی خواهد بود. در دیدگاه سیستمی کلیت خانواده به‌موازات تغییر اجزاء، برای رسیدن به تعادل تغییر خواهد کرد. به‌طور مثال زمانی که الگوی ارتباطی یک عضو خانواده به علتی مانند کاهش یا افزایش اعتماد تغییر کند، الگوی ارتباطی سایر اعضا نیز در جهت کناره‌گیری و یا صمیمیت تغییر خواهد کرد. زوجین باید بتوانند تعارض‌های احتمالی درکنش‌های متقابل خود را با اتخاذ الگوهای رفتاری مناسب که ایجادکننده صمیمیت توأم با اعتماد به‌طرف مقابل است برطرف سازند. «نبود اعتماد در روابط زناشویی، تعاملات صمیمی و احساس امنیت را به تباهی می‌کشد و سطوح بالاتر اعتماد سبب افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی می‌شود» (Simpson, 2009: 261-268).

نظریه جهت‌گیری ارتباطی ستیر نیز در خصوص متغیر الگوهای ارتباطی بیان می‌کند، افراد نیازمند ارتباطات باز و روشن با یکدیگر هستند اما زمانی که سیستم خانواده مشکل دارد، در کوششی بیهوده برای کاهش اضطراب یا تنش، ارتباطات قطع یا تحریف می‌شوند. براین اساس می‌توان دریافت زمانی که ارتباطات زوجین به هر دلیلی شفافیت خود را از دست بدهد و یا از ابتدا به دلایل نامعلوم برای طرف مقابل، از صراحت و صداقت کافی برخوردار نبوده باشد، طرفین با کاهش اعتماد و شکل‌گیری الگوهای مرادده‌ای تحریف‌شده مواجه می‌شوند. کریستنسن و شنک (۱۹۹۱)، سه الگوی ارتباطی بین زوجین را الگوی ارتباط سازنده متقابل، الگوی ارتباط اجتناب متقابل و الگوی ارتباط توقع /کناره‌گیر (زن/مرد) برشمرده‌اند. (Larson, 1996: 797-801).

نظریه دلبستگی و اعتماد باولبی مطرح می‌کند که نیازهای بنیادی خاص که در بین آنها نیاز به امنیت و یا اعتماد، اساسی‌ترین نیازها هستند، در بافت روابط به بهترین وجه ارضاء و تأمین می‌شوند (کلکسمن، ۲۰۰۷. نقل از زارعی، ۱۳۹۰: ۵۳). این رویکرد قادر خواهد بود تا علت آنکه چرا زوجین در تعاملات خود با یکدیگر الگوهای ارتباطی متنوعی را اتخاذ می‌کنند و رفتارهای ایشان چه واکنشی در طرف مقابل برخواهد انگیزد، را تبیین کند.

بر اساس پیامدهای مدرنیته گیدنز رابطه متغیرهای اعتماد و فضای مجازی چنین تبیین می‌شود، افراد امروزه در معرض ارتباطات اجتماعی خارج از چارچوب زمانی و مکانی خاص قرار گرفته‌اند که احتمال شکل‌گیری روابطی احساسی در آن، بر پایه اعتماد بنیادین دوره کودکی وجود دارد. در صورت وجود چنین روابطی و عدم پایبندی به تعهد زناشویی نسبت به همسری که در قلمرو واقعیت با وی پیوند خورده است، رابطه ناب بین زوجین با تهدید مواجه می‌شود، چرا که تعهد باید همواره بخشی از تلاش دوطرفه برابر باشد و رابطه ناب، بدون دادوستد متقابل تحقق نخواهد یافت (پیکانه، نورمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱ به نقل از رضایی، ۱۳۹۲: ۷۲). نمودار ۱ بیان‌کننده رابطه بین متغیرهای این پژوهش است که بر اساس چارچوب نظری شکل گرفته است.



نمودار ۱- مدل تحلیلی پژوهش

فرضیات این پژوهش نیز بر اساس چارچوب نظری تحقیق چنین در نظر گرفته شده‌اند:

- به نظر می‌رسد بین زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی با زیرمقیاس‌های اعتماد زناشویی در بین کاربران متأهل فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین انواع الگوهای ارتباطی (توقع / کناره‌گیر زن-مرد، سازنده متقابل و اجتناب متقابل) با میزان اعتماد زناشویی کاربران متأهل فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین متغیرهای دموگرافیک با میزان اعتماد زناشویی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین متغیرهای دموگرافیک با زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی رابطه وجود دارد.

### تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق:

تعریف نظری اعتماد زناشویی: راتر اعتماد را به‌عنوان انتظار کلی فردی که می‌تواند به کلمه، وعده، یا بیانیه فرد دیگری اعتماد نماید تعریف می‌کند (Rotter, 1980: 17-35).

تعریف عملیاتی: از ابزار مقیاس اعتماد (TS)، رمپل و هولمز (۱۹۸۶) استفاده شد.

تعریف نظری الگوهای ارتباطی: نحوه ارتباط زوجین همواره بر مبنای الگویی خاص شکل می‌گیرد، الگوهای مقابله با مشکلات که زوجین در موقعیت‌های تعارض‌آمیز به کار می‌برند، الگوهای ارتباطی زناشویی نام دارد (Christensen & Shenk, 1991: 458-463).

تعریف عملیاتی: از پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالوی<sup>۱</sup> (CPQ) سال ۱۹۸۴ استفاده شد.

تعریف نظری فضای مجازی: فضای مجازی پیوستاری از فضای واقعی است، اگرچه تفاوت‌هایی هم با فضای فیزیکی دارد. فضای مجازی را می‌توان فضایی تلقی کرد که واقعیت دارد زیرا عملکرد و اثری واقعی دارد (سیاح طاهری و دیگران ۱۳۹۵).  
تعریف عملیاتی فضای مجازی: در این پژوهش فضای مجازی به استفاده از تلفن همراه، اینترنت و کاربرد تمام ابزارها و امکانات موجود در این فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی از قبیل تلگرام، اینستاگرام، تانگو، یوتیوب، لاین، فیس‌بوک، ایمو، واتس آپ، اسکایپ و... برمی‌گردد.

### روش تحقیق

تحقیق از نوع کمی و روش تحقیق پیمایشی است. پژوهش حاضر به دنبال فهم داده‌های متعدد درباره افراد (زنان و مردان متأهل) در یک شهر است که از کاربران تلفن همراه و فضای مجازی هستند که حداقل یک سال از زندگی زناشویی آنان گذشته است. این مطالعه درصدد است تا علاوه بر توصیف رابطه بین متغیرهای موردنظر، از طریق گردآوری داده‌های واقعی به بررسی وضعیت موجود پرداخته و از نتایج آن بهره‌مند شود. حجم نمونه بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، با استفاده از فرمول کوکران از مجموع ۶۱۷۹۳ (زنان و مردان متأهل شهر لنگرود) ۳۸۲ نفر محاسبه شد. از نمونه‌گیری احتمالی<sup>۱</sup> از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در این مطالعه استفاده شد. بدین ترتیب که از بین ۱۶ محله شهر لنگرود به صورت تصادفی ۴ محله انتخاب شد و از هر محله ۴ کوچه به صورت تصادفی انتخاب گردید و کل منازل آن کوچه‌ها تمام شماری شد. پرسشنامه‌ها توسط محقق و دستیاران به پاسخگویان ساکن در محلات ارائه شده و در روزهای بعد از ایشان تحویل گرفته شد. در این پژوهش واحد مشاهده و واحد تحلیل، فرد (زن / مرد) متأهل است. برای گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه مقیاس اعتماد (TS) رمپل و هولمز (۱۹۸۶) و الگوهای ارتباطی (۱۹۸۴)

---

1. probability sampling

استفاده شد. علاوه بر آن، اطلاعات دموگرافیک مربوط به سن، سن همسر، سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان، تحصیلات، تحصیلات همسر، شغل، شغل همسر، میزان درآمد خانواده نیز جمع‌آوری گردید. ضمناً از آزمودنی‌ها میزان ساعت حضور در فضای مجازی و همچنین بیشترین محیط‌های مورداستفاده در فضای مجازی سؤال شد.

**الف: پرسشنامه/مقیاس اعتماد (TS) رمپل و هولمز (۱۹۸۶):** یک ابزار خود گزارشی است. بدین معنا که میزان اعتماد افراد نسبت به همسرشان را می‌سنجد. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) میزان توافق یا عدم توافق خود را با جملات مربوط به اعتماد بیان کند. این مقیاس دارای سه خرده مقیاس است که عبارت‌اند از: پیش‌بینی پذیری (P)، وفاداری (F) و قابلیت اعتماد (D). پایین‌ترین نمره (۱۸) نشان‌دهنده اعتماد پایین فرد نسبت به همسر و بالاترین نمره (۱۲۶) گویای اعتماد زیاد فرد است. روایی و اعتبار این پرسشنامه از طریق پژوهش‌هایی در ایران ارزیابی و تأیید شده‌اند (زارعی، فرح‌بخش و اسماعیلی، ۱۳۹۰، جاویدمهر و هنرپروران، ۱۳۹۱). در پژوهش زارعی و همکاران، (۱۳۹۰) با استفاده از روش روایی ملاکی، ضریب روایی ۰/۸۴ برای این پرسشنامه به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ در این تحقیق ۰/۸۲ درصد محاسبه شد. مطالعه جاویدمهر و هنرپروران، (۱۳۹۱) نیز نشان داد که ضریب اعتبار همسانی درونی مقیاس اعتماد ۰/۸۲۱ و خرده مقیاس‌های آن پیش‌بینی ۰/۳۲۲، اعتماد ۰/۷۷۱ و وفاداری ۰/۸۱۵ بود.

**ب: پرسشنامه الگوهای ارتباطی (۱۹۸۴):** پرسشنامه CPQ یک ابزار خودسنجی است که به منظور برآورد ارتباط زناشویی زوجین طراحی شده است. این پرسشنامه از ۳۵ سؤال تشکیل شده است و رفتارهای زوجین را در طی سه مرحله تعارض زناشویی برآورد می‌کند. این مراحل عبارت‌اند از: الف- هنگامی که مشکلی در رابطه زوجین به وجود می‌آید. ب- در طول بحث پیرامون مشکل ارتباطی ج- بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی. زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت که از ۱ (خیلی غیرممکن است) تا ۹ (خیلی ممکن است) تنظیم شده، درجه‌بندی می‌کنند. CPQ از سه خرده مقیاس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: ارتباط توقع / کناره‌گیری، ارتباط



سازنده متقابل و ارتباط اجتناب متقابل این سه خرده مقیاس توسط کریستنسن و شنک (۱۹۹۱) تهیه شده‌اند.

در پژوهش صمد زاده و همکاران، (۱۳۹۲) به هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی پرداخته شد. حجم نمونه این تحقیق را ۴۰۱ نفر کارمند متأهل (۱۴۸ زن و ۲۵۳ مرد) در سنین ۱۹-۵۵ تشکیل می‌دادند. پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰،۷۶ و روایی همگرایی پرسشنامه با مقیاس‌های ذکر شده از (۰/۳۰ تا ۰/۹۵) به دست آمد. CPQ دربرگیرنده ۵ آیتم است: ۱- ارتباط سازنده که حاصل جمع ۳ آیتمی است که ارتباط سازنده را نشان می‌دهد (آلفای ۰/۷۸ در زنان و ۰/۸۰ در مردان). ارتباط توقع کناره‌گیر: ۶ آیتمی که رفتار طلبکارانه یک زوج را در مقابل رفتار کناره‌گیرانه دیگری می‌سنجد (آلفای کرونباخ ۰/۵۵ و ۰/۶۹)، الگوی ارتباطی زن متوقع / مرد کناره‌گیر: سه آیتمی که نشان می‌دهد زن مطالبه گر است (آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۶۸) و الگوی ارتباطی مرد متوقع و زن کناره‌گیر (آلفای ۰/۵۲ و ۰/۷۲)، کناره‌گیری متقابل: سه آیتمی است که نشان می‌دهد هر دو زوج از پرداختن به موضوع اجتناب می‌کنند، (آلفای ۰/۶۶ و ۰/۶۶). در این مطالعه نیز، پایایی پرسشنامه‌های یاد شده از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۱- نتایج آزمون آلفای کرونباخ درباره توزیع معرف‌های پرسشنامه اعتماد زناشویی و

زیرمقیاس‌های آن

۷۶.۰	ضرایب آلفا	پرسشنامه اعتماد زناشویی (رمپل و هولمز)
۱۸	تعداد گویه	
۶۸.۰	ضریب آلفا	شاخص وفاداری
۷	تعداد گویه	
۰.۷۰	ضریب آلفا	شاخص اعتماد
۳	تعداد گویه	
۰.۵۴	ضریب آلفا	شاخص پیش‌بینی پذیری
۴	تعداد گویه	

چنانچه ارقام مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد، نتیجه برآورد پایایی معرف‌های پرسشنامه اعتماد زناشویی (رمپل و هولمز) بیانگر آن است که مقدار ضریب آلفا در سطح مطلوبی است (آلفا: ۰/۷۶)؛ ضریب آلفا در شاخص پیش‌بینی پذیری در ابتدا زیر ۵۰ بوده و قابل قبول نبود، بنابراین مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس کاربرد تکنیک تحلیل گویه، شاخص یادشده پالایش شد و تعداد گویه های آن تقلیل یافت. در مرحله بعد مجدداً آزمون پایایی بررسی شد و نتیجه (۰/۵۴) حاصل گردید. همچنین میزان ضریب آلفا نسبت به سایر پژوهش‌ها مانند جاوید مهر و هنرپوران (۱۳۹۰) که ۰/۳۲ ارزیابی شد، بیشتر است (جدول شماره ۱).

گزارش آلفای کرونباخ توزیع کریستنس و سالوی و خرده مقیاس‌های آن:

جدول ۲- نتایج آزمون آلفای کرونباخ درباره توزیع معرف‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی و خرده مقیاس‌های آن

۷۶.۰	ضرایب آلفا	پرسشنامه الگوهای ارتباطی
۳۴	تعداد گویه	
۷۲.۰	ضرایب آلفا	خرده مقیاس الگوی ارتباطی سازنده متقابل
۶	تعداد گویه	
۵۷.۰	ضرایب آلفا	خرده مقیاس الگوی ارتباطی اجتناب متقابل
۶	تعداد گویه	
۷۴.۰	ضرایب آلفا	خرده مقیاس الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیر
۱۲	تعداد گویه	
۵۳.۰	ضرایب آلفا	الگوی ارتباطی زن متوقع-مرد کناره‌گیر
۲	تعداد گویه	
۶۲.۰	ضرایب آلفا	الگوی ارتباطی مرد متوقع-زن کناره‌گیر
۲	تعداد گویه	

چنانچه ارقام مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد، نتیجه برآورد پایایی معرف‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی (کریستنس و سالووی) بیانگر آن است که مقدار ضریب آلفا در سطح مطلوبی است (آلفا: ۰/۷۶) شاخص الگوی ارتباطی زن متوقع - مرد کناره‌گیر در ابتدا زیر ۰/۵۰ بوده و قابل قبول نبود. بنابراین اساس کاربرد تکنیک تحلیل گویه، شاخص یادشده پالایش شد و تعداد گویه‌های آن کاهش یافت. در مرحله بعد مجدداً آزمون پایایی بررسی شد و نتیجه (۰/۵۳) حاصل گردید (جدل ۲).

### یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی: یافته‌ها نشان داد از مجموع ۳۸۲ نفر پاسخگو، ۵۹/۵٪ افراد نمونه را زنان متأهل و ۴۰/۵٪ افراد نمونه را مردان متأهل تشکیل دادند. میانگین کل سن پاسخ‌دهندگان و همسران آن‌ها در هنگام پر نمودن پرسشنامه برابر با ۳۲ سال و میانگین سن آنان در هنگام ازدواج ۲۴ سال بوده است. همچنین بیشترین نرم‌افزار مورد استفاده کاربران فضای مجازی به ترتیب، تلگرام (۹۷/۷٪)، است. میانگین استفاده از فضای مجازی پاسخگویان ۲/۳۵ در طول شبانه‌روز است. بیشترین فراوانی از نظر تعداد فرزند را پاسخگویان فاقد فرزند تشکیل دادند (۰/۴۳٪)، بیشترین فراوانی پاسخگویان و همسران آن‌ها از نظر سطح تحصیلات، مدرک کارشناسی و از نظر میزان درآمد ۳۰٪ پاسخگویان دارای میزان درآمد ۱۶۰۰-۲۴۰۰ بوده‌اند.

نتایج آمارهای تحلیل نشان داد که:

**فرضیه اول:** به نظر می‌رسد بین زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی با زیرمقیاس‌های اعتماد زناشویی در بین کاربران متأهل فضای مجازی رابطه وجود دارد.

جدول ۳- جدول تحلیل ضریب همبستگی گاما بین زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی با

زیرمقیاس‌های اعتماد

میزان اعتماد/الگوهای ارتباطی	سازنده متقابل	اجتناب متقابل	توقع-کناره‌گیر	زن متوقع-مرد کناره‌گیر	مرد متوقع-زن کناره‌گیر
وفاداری	G	۰/۷۳	-۰/۴۴	-۰/۳۸	-۰/۱۰
	S	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۰
	N	۳۷۷	۳۷۷	۳۵۰	۳۷۵
پیش‌بینی پذیری	G	۰/۲۵	-۰/۳۵	-۰/۲۶	-۰/۰۲
	S	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰۲	۰/۸۵
	N	۳۵۰	۳۵۰	۳۷۷	۳۴۸
قابلیت اعتماد/ایمان	G	۰/۵۶	-۰/۳۴	-۰/۲۲	-۰/۳۶
	S	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۵	۰/۰۱۱
	N	۳۸۲	۳۸۳	۳۶۶	۳۸۱

بررسی حاصله نشان می‌دهد که آزمون همبستگی ناپارامتریک گاما بین زیرمقیاس‌های رتبه‌ای الگوی ارتباطی و زیرمقیاس‌های اعتماد زناشویی با اطمینان ۹۵٪ و سطح خطای کمتر از ۵٪ معنادار شده است. همچنین مقدار ضریب همبستگی گاما در رابطه با زیرمقیاس‌های ارتباط متقابل سازنده با وفاداری ۰/۷۳٪ است که رابطه‌ای مثبت و قوی را نشان می‌دهد، بدین معنا که هرچه نوع الگوی ارتباطی متأهلین از نوع سازنده متقابل باشد، میزان وفاداری زوجین به هم افزایش می‌یابد. همچنین مقدار ضریب همبستگی گاما بین زیرمقیاس‌های اجتناب متقابل و وفاداری نیز ۰/۴۴٪ است که رابطه‌ای منفی است و تایید می‌کند هرچه ارتباط از نوع اجتناب متقابل باشد، میزان وفاداری طرفین کاهش می‌یابد. رابطه بین زیرمقیاس‌های الگوی زن متوقع-مرد کناره‌گیر با وفاداری ۰/۴۶-٪ به دست آمد که نشان می‌دهد، هرچه الگوی ارتباطی زنان از نوع متوقع باشد، قابلیت اعتماد/ایمان در بین زوجین کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه بین الگوی سازنده متقابل با قابلیت اعتماد/ایمان ۰/۵۶٪ است، که رابطه‌ای منفی و قوی را نشان می‌دهد؛ بنابراین فرضیه فوق تایید می‌شود (جدول شماره ۳).

رابطه بین الگوهای ارتباطی با اعتماد زناشویی ... ۲۲۳

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین انواع الگوهای ارتباطی (توقع / کناره‌گیر زن-مرد، سازنده متقابل و اجتناب متقابل) با کل میزان اعتماد زناشویی کاربران متأهل فضای مجازی رابطه وجود دارد.

جدول ۴- تحلیل ضریب همبستگی گاما بین زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی با میزان اعتماد زناشویی

کل اعتماد زناشویی / الگوهای ارتباطی	سازنده متقابل	اجتناب متقابل	توقع - کناره‌گیر	زن متوقع - مرد کناره‌گیر	مرد متوقع - زن کناره‌گیر
میزان	G	-۰/۳۵	-۰/۳۱	-۰/۳۲	-۰/۳۵
اعتماد	S	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۰۱
زناشویی	N	۳۸۲	۳۸۲	۳۸۱	۳۷۷

نتایج حاصل از آزمون ناپارامتریک گاما بین متغیرهای رتبه‌ای بیانگر آن است که با اطمینان ۹۵٪ و سطح خطای کمتر از ۵٪ رابطه معناداری میان دو زیرمقیاس الگوهای ارتباطی با میزان اعتماد زناشویی وجود دارد. در این باره ضریب همبستگی گاما بین تمام زیرمقیاس‌های الگوی ارتباطی با میزان اعتماد زناشویی رابطه معناداری را نشان می‌دهد و بیشترین ارتباط بین الگوی سازنده متقابل با میزان اعتماد است که رابطه‌ای مثبت و معنادار را نشان می‌دهد (۰/۶۵٪) بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود (جدول شماره ۴).

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین متغیرهای دموگرافیک (جنسیت، سن، سن همسر، سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان، تحصیلات، تحصیلات همسر، میزان ساعات استفاده از فضای مجازی و بیشترین محیط مورداستفاده در فضای مجازی) با میزان اعتماد زناشویی رابطه وجود دارد.

یافته‌های حاصل از آزمون ناپارامتریک u من - ویتنی نیز با اطمینان ۹۹٪ در سطح معناداری (S: ۰/۰۰) مقدار Z را برابر ۲/۹۹ نشان می‌دهد و میانگین رتبه اعتماد زنان برابر

با ۱۷۸/۹۹ و میانگین رتبه اعتماد مردان برابر با ۲۱۱/۱۴ است که در نهایت تفاوت آماری معناداری را بین اعتماد زنان و مردان نشان می‌دهد. بدین صورت که مردان بیش از زنان به همسران خود اعتماد دارند، اما بین سایر متغیرهای دموگرافیک با میزان اعتماد زناشویی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری یافت نشد؛ بنابراین این فرضیه رد می‌شود (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج آزمون U من - ویتنی درباره متغیر میزان اعتماد زناشویی برحسب متغیر جنس

میزان اعتماد زناشویی	تعداد	میانگین رتبه	Z: ۲/۹۹۷
زن	۲۲۸	۱۷۸/۹۹	S: ۰/۰۰
مرد	۱۵۵	۲۱۱/۱۴	

جدول ۶- نتایج آزمون گاما بر اساس میزان رتبه‌ای اعتماد زناشویی برحسب متغیرهای رتبه‌ای

دموگرافیک

سن ازدواج	سن هنگام	سن همسر	درآمد	تحصیلات همسر	تحصیلات	تعداد فرزندان	میزان زندگی مشترک	میزان استفاده از فضای مجازی	میزان اعتماد زناشویی
۰/۱۴	-۰/۱۰	-۰/۰۸	۰/۰۵	-۰/۰۲۴	۰/۰۴۸	-۰/۰۷	-۰/۰۹	۰/۰۲۷	G
۰/۱۰	۰/۲۸	۰/۳۹	۰/۵۰	۰/۷۹	۰/۵۹	۰/۴۵	۰/۲۵	۰/۸۷	S

جدول ۷- نتایج آزمون کای اسکوئر بر اساس میزان اعتماد زناشویی برحسب متغیر اسمی ابزارهای

استفاده‌شده در فضای مجازی

ابزار مجازی	پیام کوتاه	تلگرام	اینستاگرام	واتس آپ	لاین	سایر
میزان اعتماد زناشویی	۰/۲۲	۱/۸۲	۰/۵۹	۱/۸۰	۴/۳۹	۴/۳۹
X <sup>2</sup>	۰/۵۴	۰/۴۰	۰/۷۴	۰/۴۰	۰/۱۱	۰/۱۱
S						

رابطه بین الگوهای ارتباطی با اعتماد زناشویی ... ۲۲۵

**فرضیه چهارم:** به نظر می‌رسد که بین متغیرهای دموگرافیک (جنس، سن، سن همسر، سن ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان، تحصیلات، تحصیلات همسر، میزان درآمد خانواده، میزان ساعات استفاده از فضای مجازی) با زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی رابطه وجود دارد.

بررسی حاصله در جداول ذیل نشان می‌دهد که آزمون همبستگی ناپارامتریک گاما،  $\gamma$  کرامرز و کای اسکوتر، بین زیرمقیاس‌های رتبه‌ای الگوهای ارتباطی و متغیرهای دموگرافیک جنس، سن، سن همسر و میزان زندگی مشترک با اطمینان ۹۵٪ و سطح خطای کمتر از ۵٪ معنادار شده است. بین شاخص اجتناب متقابل با میزان استفاده از فضای مجازی، تعداد فرزندان، تحصیلات همسر، و جنس رابطه مشاهده شد. همچنین در بین شاخص‌های توقع-کناره‌گیر و مرد متوقع-زن کناره‌گیر با میزان استفاده از فضای مجازی رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد (جداول شماره ۸ و ۹).

جدول ۸- نتایج آزمون کای اسکوتر و  $\gamma$  کرامرز برای متغیر اسمی جنس و زیرمقیاس‌های الگوی ارتباطی

مرد متوقع- زن کناره‌گیر	زن متوقع- مرد کناره‌گیر	متوقع- کناره‌گیر	اجتناب متقابل	سازنده متقابل	
۳۵.۶	۱۲.۴	۵۹.۰	۵۴.۱۰	۴.۶۴	جنس $X^2$
۰.۴۰	۱۲.۰	۷۴.۰	۰.۰۰	۰.۹۰	S
۱۳.۰	۱۰.۰	۰.۳۰	۱۶.۰	۱.۱۰	V
۰.۴۰	۱۲.۰	۷۴.۰	۰.۰۰	۰.۹۰	S

جدول ۹- نتایج آزمون گاما بین متغیرهای دموگرافیک و زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی

مرد متوقع- زن کناره‌گیر	زن متوقع- مرد کناره‌گیر	توقع- کناره‌گیر	اجتناب متقابل	متقابل سازنده	
۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۳	G
۰/۳۵	۰/۴۸	۰/۳۴	۰/۲۴	۰/۶۸	S

سن پاسخگو

۰/۰۴	-۰/۱۰	۰/۱۶	۰/۰۴	۰/۰۴	G	سن همسر
۰/۶۷	۰/۳۲	۰/۰۲	۰/۵۴	۰/۶۰	S	
-۰/۲۳	-۰/۳۶	-۰/۰۰	-۰/۱۲	۰/۰۶	G	سن هنگام ازدواج
۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۹۶	۰/۱۱	۰/۴۲	S	
۰/۲۰	۰/۱۷	۰/۳۲	۰/۱۹	۰/۰۲	G	میزان ابزارمجازی
۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۷	S	
۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۱	G	میزان زندگی مشترک
۰/۲۲	۰/۸۴	۰/۸۱	۰/۱۱	۰/۸۱	S	
۰/۳۱	۰/۰۳	۰/۰۴۸	۰/۳۲	-۰/۱۰	G	تعداد فرزندان
۰/۰۰	۰/۶۹	۰/۵۱	۰/۰۰	۰/۲۲	S	
-۰/۱۹	-۰/۲۶	-۰/۰۴	-۰/۱۳	۰/۲۵	G	تحصیلات پاسخگو
۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۵۵	۰/۰۶	۰/۰۰	S	
-۰/۲۰	-۰/۲۴	-۰/۱۲	-۰/۲۲	۰/۲۴	G	تحصیلات همسر
۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۰	S	
-۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۰۷	G	میزان درآمد خانواده
۰/۲۳	۰/۴۷	۰/۴۰	۰/۰۸	۰/۲۸	S	

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش بود که بین الگوهای ارتباطی با میزان اعتماد زناشویی در بین کاربران متأهل فضای مجازی چه ارتباطی وجود دارد؟ نتایج این مطالعه در بین مشارکت‌کنندگان متأهل ساکن در شهر لنگرود نشان داد رابطه معناداری بین زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی و زیرمقیاس‌های اعتماد زناشویی و همچنین کل میزان اعتماد زناشویی وجود دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که بین الگوهای اجتناب متقابل، توقع-کناره‌گیر با میزان استفاده از فضای مجازی، رابطه وجود دارد. بنابراین استفاده از فضای مجازی به صورت غیرمستقیم و از طریق نوع الگوهای ارتباطی‌ای که زوجین در زندگی مشترک خود انتخاب می‌کنند با اعتماد زناشویی در



ارتباط است و در واقع کاهش یا افزایش اعتماد در بین کاربران متأهل فضای مجازی، از تبعات نوع الگوهای ارتباطی انتخاب شده توسط زن و شوهر است.

#### فرضیه اول:

یافته‌های این پژوهش رابطه‌ای مثبت و قوی را در خصوص ارتباط برخی از زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی با اعتماد زناشویی نشان داد؛ مانند رابطه بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل با وفاداری (۰/۷۳) و قابلیت اعتماد (۰/۵۶). بدین معنا که الگوی ارتباطی سازنده متقابل منجر به افزایش میزان وفاداری زوجین و اعتماد آن‌ها به یکدیگر می‌شود. می‌توان نتایج حاصل از این مطالعه را با چارچوب نظری تحقیق- نظریه جهت‌گیری ارتباطی ستیر- از این رو همسو دانست که ارتباط باز و روشن را دارای اهمیت اصلی می‌داند (فقیرپور، ۱۳۸۳: ۶۹) و این‌که بر نیاز افراد به ارتباطات باز و روشن با یکدیگر تأکید دارد (بای ۱۳۹۰ به نقل از بهرامی، ۱۳۹۳: ۵۴). بدین ترتیب انواع الگوهای ارتباطی که زوجین در زندگی زناشویی خود انتخاب می‌کنند با زیرمقیاس‌های اعتماد زناشویی (وفاداری، قابلیت اعتماد و حتی قابلیت پیش‌بینی) مرتبط است؛ یعنی زمانی که زوجین در یک سیستم ارتباط متقابل قرار می‌گیرند، چنانچه الگوی مرادده‌ای سالمی را برگزینند، میزان اعتماد در زندگی زناشویی در حد قابل توجهی افزایش می‌یابد. با توجه به رابطه قوی الگوی سازنده متقابل اجتماعی با میزان وفاداری در این پژوهش و این‌که رابطه معناداری بین میزان استفاده از فضای مجازی با میزان اعتماد زناشویی حاصل نشد، می‌توان دریافت زمانی سایر ابزارها و راه‌های کاهش اعتماد می‌تواند در زندگی زوجین راه یابد که آن‌ها در به‌کارگیری الگوی مرادده‌ای سالم شکست بخورند (مینوچین، ۱۳۸۳: ۸۲). همچنین نظریه دل‌بستگی علت‌گرنیش الگوی ارتباطی سازنده متقابل را برخوردار از زوجین از سبک دل‌بستگی ایمن در کودکی تبیین می‌کند. می‌توان انواع نشانه‌های دل‌بستگی ایمن در بزرگسالی را پایدار بودن روابط پایدار و قابل اعتماد، خودباوری، سهولت در به اشتراک گذاشتن احساسات با دوستان و جستجوی حمایت اجتماعی برشمرد؛ بنابراین اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو

ویژگی اصلی افراد ایمن محسوب می‌شود (Cassidy, 2008). با توجه به نظریه سیستمی که یکی از چارچوب‌های نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد، به واسطه گزینش الگوی سازنده متقابل اجتماعی که به موجب آن همسران در رابطه با مشکلات، بحث و گفتگو کرده و خود را از اعمال رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به یکدیگر بر حذر می‌دارند، درک متقابل حاصل شده و بر میزان رضایت از زندگی زناشویی و در نهایت وفاداری زوجین نسبت به هم افزوده خواهد شد. نتیجه به دست آمده با پیشینه تحقیق داخلی انجام شده توسط سفیری و ذاکری (۱۳۹۳) مشابه است و نتایج این تحقیق را تایید می‌کند. در الگوی ارتباطی سازنده متقابل زن و شوهر سعی می‌کنند در مورد مشکل و مسئله‌ای که در حین ارتباط برای آن‌ها به وجود می‌آید بحث و گفتگو کنند. این گفتگو با ابراز احساسات نسبت به یکدیگر و یافتن راه حل برای رفع مشکل همراه خواهد بود.

#### فرضیه دوم:

یافته‌های این پژوهش بر اساس نتایج حاصل از آزمون ناپارامتریک گاما حاکی از آن است که بین متغیرهای رتبه‌ای زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی با میزان اعتماد زناشویی، با اطمینان ۹۵٪ و سطح خطای کمتر از ۵٪ رابطه معناداری وجود دارد و الگوی ارتباطی سازنده متقابل و اجتناب متقابل بیشترین رابطه را با میزان اعتماد زناشویی نشان داده‌اند. این یافته تعیین می‌کند که نوع الگوی ارتباطی انتخاب شده توسط زوجین می‌تواند میزان اعتماد زناشویی بین آنان را کاهش یا افزایش دهد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های داخلی مانند خندان دل و کاویان فر (۱۳۹۴)، فاتحی زاده و احمدی (۱۳۸۴) که رابطه مثبتی بین الگوی سازنده متقابل و رابطه منفی بین الگوی اجتناب متقابل و توقع کناره‌گیر با بعد سلامت معنوی را سنجیده‌اند داشته است.

#### فرضیه سوم:

این فرضیه تنها در بین دو متغیر جنس و میزان اعتماد زناشویی با آزمون ناپارامتریک خی دو در سطح معناداری  $(S) 0/00$  و با شدت رابطه  $(V: 0/18)$ ، معنادار

شده و در بین سایر متغیرهای دموگرافیک با متغیر اعتماد زناشویی رابطه معناداری یافت نشد؛ که منجر به رد شدن فرضیه گردید. نتایج حاصله با تحقیق داخلی آزاد ارمکی (۱۳۸۳) که بین متغیرهای دموگرافیک با میزان اعتماد زناشویی رابطه‌ای دیده نشده بود همخوانی دارد.

#### فرضیه چهارم:

مشاهده رابطه معنادار بین میزان استفاده از فضای مجازی و نوع الگوهای ارتباطی که زوجین در روابط خود انتخاب می‌کنند، نظریه انتخاب گلاسر را به‌عنوان ادبیات نظری این پژوهش تأیید می‌کند؛ زیرا بر اساس این تئوری، انسان‌ها دارای نیازهای اساسی مانند بقاء، تعلق، خودمختاری، تفریح و آزادی هستند اما باید مسئولیت انتخاب‌های خود را بپذیرند؛ بنابراین هنگامی که زوجین تصمیم می‌گیرند، زمان بیشتری را صرف انجام تفریحات انفرادی و یا وقت‌گذرانی با فرد یا افراد سوم در فضای مجازی کنند و به‌واسطه آن از برقراری ارتباط متقابل زناشویی فاصله می‌گیرند، درواقع آگاهانه الگوی اجتناب متقابل را برگزیده‌اند که به‌موجب آن احتمال دارد، میزان اعتماد زناشویی و وفاداری کاهش یافته و چنین فضایی به اشکال مختلف بسترساز ورود سایر افراد به زندگی زناشویی زوجین شود. با توجه به نظریه گلاسر اگرچه ما نمی‌توانیم دیگران را مجبور به انجام کاری سازیم که مایل به آن نیستند، مانند منع استفاده از فضای مجازی توسط هریک از زوجین، اما قادریم نحوه رفتارمان را با دیگران تغییر دهیم (گلاسر، ۱۳۷۸: ۳۳).

با توجه به یافته‌های تحقیق، این نتیجه حاصل شد که فضای مجازی به‌صورت مستقیم در کاهش یا افزایش اعتماد بین زوجین اثرگذار نیست، بلکه به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در انتخاب نوع الگوهای ارتباطی‌ای که زوجین در زندگی خود برمی‌گزینند، می‌تواند زمینه کاهش یا افزایش اعتماد زناشویی را فراهم سازد. به‌طور مثال میانگین بالای میزان استفاده از فضای مجازی، می‌تواند بر شدت ماندگاری بر الگوی آسیب‌زننده مؤثر باشد. بدین شکل که زوجین برای ترمیم بافت زخمی زندگی مشترک خود، فرصت کافی را اختصاص نداده و دیگری این عدم توجه را حمل بر سرگرمی فرد

مقابل در ارتباطات جذاب‌تر و خارج از چارچوب کرده و در نهایت اعتماد زناشویی و زیرمقیاس‌های حیاتی آن مانند وفاداری، ایمان و قابل پیش‌بینی دانستن طرف مقابل، کاهش می‌یابد. این در حالی است که بنا به نظر گاتمن (۱۹۹۴) زوجین با انجام رفتارهای تقویت‌کننده روابط زناشویی مانند داشتن مکالمات روزانه بدون استرس و باخبر شدن از احوال یکدیگر و... حتی قادر خواهند بود تا از طلاق جلوگیری کنند چه رسد به آنکه فضای مجازی قادر باشد اعتماد زناشویی را ریشه‌کن کند. در نتیجه به نظر می‌رسد میزان استفاده از فضای مجازی و سایر متغیرهای دموگرافیک با تغییر الگوهای ارتباطی زناشویی می‌تواند به صورت غیرمستقیم بر میزان اعتماد زناشویی اثر گذاشته و آن را کاهش یا افزایش دهند.

با توجه به اثرگذار شناخته شدن الگوهای ارتباطی بر میزان اعتماد زناشویی و زیرمقیاس‌های آن در بین کاربران متأهل فضای مجازی شهر لنگرود، پیشنهاد می‌شود کلاس‌های آموزشی و جلسات مشاوره رایگان توسط سازمان بهزیستی، اورژانس اجتماعی، کلینیک‌های مشاوره و غیره به منظور آموزش الگوهای ارتباطی سازنده متقابل بین زوجین برگزار شود. همچنین با توجه به شناسایی برخی از متغیرهای دموگرافیک از جمله سن همسر، سن هنگام ازدواج، سطح تحصیلی طرفین و میزان استفاده از فضای مجازی به عنوان عوامل مؤثر در انتخاب نوع الگوهای ارتباطی زناشویی، می‌توان در جلسات مشاوره پیش از ازدواج به پیش‌بینی الگوهای ارتباطی احتمالی دست زد و با شناسایی طرفین در معرض آسیب، به آگاه‌سازی آنها از انواع ارتباطات زناشویی آسیب‌زننده پرداخت و از کاهش اعتماد آنان تا حدی جلوگیری نمود. مددکاران اجتماعی با ارائه آگاهی به آحاد جامعه در خصوص اهمیت میزان استفاده از فضای مجازی در اتخاذ انواع الگوهای ارتباطی، می‌توانند در قالب مددکاری جامعه‌ای از اثرگذاری سوء این فضا جلوگیری نمایند و با توجه به تئوری انتخاب گلاسر مردم را در انتخاب آگاهانه رفتارهای خود و پذیرش مسئولیت و تبعات انتخاب‌ها یاری نمایند. همچنین مددکاران اجتماعی قادر خواهند بود به طراحی الگوهای استفاده مؤثر از فضای

مجازی مانند یافتن تفریحات مشترک زناشویی، عضویت در کانال‌های آموزشی و... بپردازند، تا نه تنها از شکل‌گیری الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل و توقع کناره‌گیر جلوگیری شود، بلکه با همراهی یکدیگر میزان صمیمیت در روابط خود را افزایش داده و با ایجاد الگوی متقابل سازنده به افزایش میزان اعتماد و وفاداری در زندگی زناشویی نائل شوند. نتایج این پژوهش می‌تواند در سیاست‌های اجتماعی و رفاهی حوزه خانواده مورد تأکید قرار گرفته و به گسترش برنامه‌ها و فعالیت‌هایی با محوریت نقش مددکاران اجتماعی در آموزش خانواده‌ها قبل و بعد از ازدواج بینجامد.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ کمالی، افسانه. (۱۳۸۳)، اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی متقابل در بین دو جنس. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲.
- بهرامی، محمود؛ بابائی، رضا؛ فروهر، آرزو و همکاران. (۱۳۹۳). نقش ابعاد سلامت معنوی در پیش‌بینی الگوهای ارتباطی زناشویی معلمان زن در مقطع ابتدائی شهر کرج. *فصلنامه تاریخ پزشکی*، سال ششم، شماره بیست و یکم.
- خندان‌دل، سحر؛ کاویان‌فر، حسین. (۱۳۹۴). نقش اعتماد در روابط بین فردی و تاب‌آوری خانواده در رضایت زناشویی زوج‌های شاغل. *دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*.
- رضایی، زینب؛ بوستانی‌پور، علیرضا؛ حبیبیان، فاطمه. (۱۳۹۲). با عنوان بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل. *پژوهش‌های مشاوره*، جلد ۱۲، شماره ۴۷.
- زارعی، سلمان؛ فرح‌بخش، کیومرث؛ اسماعیلی، معصومه. (۱۳۹۰). تعیین سهم خودمتمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال دوازدهم، شماره ۳.
- سفیری، خدیجه؛ ذاکری هامانه، راضیه. (۱۳۹۳). برساخت مفهوم اعتماد به همسر در فضای مجازی (مورد مطالعه زنان ساکن شهر یزد). *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه*، سال پنجم، شماره دوم.

- سیاح طاهری، محمدحسین و دیگران. (۱۳۹۵). *حقیقت مجازی (درباره فضای مجازی چه بدانی و چه بگویم؟)*. تهران: مرکز ملی فضای مجازی
- شعاع کاظمی، مهرانگیر؛ مؤمنی جاوید، مهرآور. (۱۳۹۳). *دیدگاه‌های نظری خیانت زناشویی و بهبود روابط با تأکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای*. تهران: انتشارات آوای نور.
- صمدزاده، منا؛ شعبری، محمدرضا؛ مهدویان، علی‌رضا و همکاران. (۱۳۹۲). *پرسشنامه الگوهای ارتباطی: اعتبار و روایی*. *روانشناسی- مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، شماره ۸ (علمی- پژوهشی).
- فقیرپور، مقصود. (۱۳۸۴). *مهارت‌های اجتماعی و سازگاری زناشویی*. رشت: سازمان بهزیستی استان گیلان.
- قلی‌پور، سهیلا. (۱۳۹۵). *بررسی تأثیر رسانه‌های نوپدید (ایتترنت، ماهواره و تلفن همراه) بر خیانت عاطفی زوجین و عوامل مؤثر بر آن*. *مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی*، شماره ۱۰، جلد ۴.
- کلیوند عباسی، نجمه؛ بختیارپور، سعید. (۱۳۹۵). *رابطه اعتماد زناشویی، سلامت روان و مهارت‌های ارتباطی با دل‌زدگی زناشویی در میان کارمندان متأهل آموزش‌وپرورش ناحیه ۴ اهواز پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی*، مرکز پژوهش‌های نیرو.
- کیوستو، پیتر. (۱۳۸۴). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. مترجم: منوچهر منصوری، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- گلاسر، ویلیام. (۱۳۷۸). *مصاحبه با ویلیام گلاسر مبدع نظریه واقعیت درمانی (واقعیت درمانی جدید) درباره نظریه انتخاب*. مترجم: حسین کاشانی. *ماهنامه اصلاح و تربیت*، سال هفتم، شماره ۷۳.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی*. مترجم: حسن چاوشیان، چاپ چهارم از ویراست چهارم، تهران: نشر نی.
- مینوچین، سالوادور. (۱۳۸۳). *خانواده و خانواده‌درمانی*. ترجمه: باقر ثنایی، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- مداحی، محمدابراهیم؛ صمدزاده، منا؛ جاویدی، نصرالدین. (۱۳۹۱). *الگوی‌های ارتباطی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان*. *مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، دانشگاه گیلان، شماره ۲۷ و ۲۸.

- Cassidy J, Shaver PR. (2008). *Handbook of attachment: Theory, research and Clinical applications*. Newyourk, London: Guilford: 2008:101-200
- Christensen, A. Shenk, JL. (1991). Communication, conflict and psychological distance in non distressed, clinic and divorcing couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 59: 458-63.
- Jason W. Mitchell & Gamarel, Kristi E. (2017). Constructive Communication Patterns and Associated Factors Among Male Couples. *Jornal of couple & Relationship Therapy* 17, 2018.
- Longua Peterson, Julie. DeHart, Tracy (2013). Regulating connection: Implicit self-esteem predicts positive non-verbal behavior during romantic relationship-threat. *Journal of Experimental Social Psychology*. Volume 49, Issue 1, January 2013, Pages 99-105. Volume 31.
- Moore, M & Kramer, D. (2000). *Satir for beginners: Incongruent communication patterns in romantic function*. win 54, 4. 249-237. Academic Reseach Library. www. sciencedirect. com.
- Murry, Sandra. Rose, Paul. Holmes, John G. Wesley Griffin, Dale. (2005). Putting the Partner Within Reach: A Dyadic Perspective on Felt Security in Close Relationships. in *Journal of Personality and Social Psychology* 88(2):327-47. March 2005 with 303
- Neuman MG. (2008). *The truth about cheating: Why men stray and what you can do to prevent it*. New Jersey: John Wiley & sons.
- Rempel, J.K. & Holmes, J.G. mark.p.zanna. (1986). Trust in close relationships. *Journal of Personality*, 49, 95-112.
- Rotter, J. B. (1980). *Interpersonal trust, trustworthiness*, and gullibility. *American Psychologist*, 35, 1-7.
- Simpson, J. (2009). *Psychological foundations of trust*. Current directions in psychological science, 16, 261-268.
- Heavy, CL. Larson, B. Christensen, A. (1996). The communication patterns questionnaire: The reliability and validity of a constructive communication subscale. *Journal of Marriage and Family*. 63: 797-801.